

---

# انتخابات سال ۱۳۹۶ در ایران

## انتخابات و امید به دموکراسی در جمهوری اسلامی

لادن برومند



توانا

TAVANA

آموزشکده آنلاین  
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

*for civic education*

---



آموزش‌سکده آنلاین  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

انتخابات سال ۱۳۹۶ در ایران  
**انتخابات و امید به دموکراسی در جمهوری اسلامی**

---

نویسنده: لادن برومند

---

Boroumand, Ladan. "Iran's 2017 Election: Waning Democratic Hopes." *Journal of Democracy* 28:4 (2017), 3845. © 2017 National Endowment for Democracy and Johns Hopkins University Press. Reprinted with permission of Johns Hopkins University Press.

**لادن برومند** مورخ و از موسسان بنیاد عبدالرحمن برومند برای پیشبرد حقوق بشر و دموکراسی در ایران است. او مقالات متعددی درباره حقوق بشر و ترور در انقلاب فرانسه، تروریسم، انتخابات، اصلاحات و جامعه مدنی در ایران پس از انقلاب منتشر کرده است.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ ایرانیان به پای صندوق‌ها رفتند تا رئیس‌جمهورشان را انتخاب کنند. با یادآوری این که حضور ناظران مستقل در انتخابات ایران ممنوع است، تنها می‌توان به نتایج تصدیق‌ناپذیری تکیه کرد که بدون هیچ شفافیتی، وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است. وزارت کشور مدعی است ۷۳ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کرده‌اند. این رقم، اگر درست باشد، بالاترین آمار مشارکتی نیست که جمهوری اسلامی تا کنون مدعی آن شده است، اما با معیارهای ایران رقم بالایی محسوب می‌شود. این رقم در مقایسه با میزان مشارکت معمول در کشورهای دموکراتیک نیز رقم بالایی به حساب می‌آید. در نتیجه زمینه رجزخوانی مقامات جمهوری اسلامی را درباره برتری «دموکراسی اسلامی» ایران نسبت به سیستم‌های دیگر مانند ایالات متحده، که مشارکت در آن‌ها عموماً پایین است، فراهم می‌کند.

رهبران جمهوری اسلامی با خشنودی تمام، آمار ۷۳ درصد رأی‌دهنده را دال بر حمایت قوی مردم ایران از رژیم اسلامی و باورشان به مفهوم دموکراسی اسلامی می‌دانند.<sup>۱</sup> طبق ارقام رسمی، پیروزی قاطع انتخابات نصیب رییس جمهور وقت، حسن روحانی، شد. او ۵۷ درصد آرا را به دست آورد. رقیب اصلی او، یک روحانی دیگر شیعه و دادستان سابق دادگاه انقلاب به نام ابراهیم رئیسی بود که تنها ۳۸ درصد آرا را از آن خود کرد. رسانه‌های مهم جهان نتیجه این انتخابات را، پیروزی «اصلاحات» و سیاست «خروج از انزوا» بر محافظه‌کاری ایدئولوژیک، عوام‌گرایی و سیاست‌هایی تلقی کردند که به انزوای ایران منجر می‌شوند.<sup>۲</sup>

چنین دیدگاهی اما از کار کرد واقعی انتخابات در جمهوری اسلامی غافل است. هدف از انتخابات در سیستم سیاسی ایران آن چیزی نیست که ناظران غربی عموماً در نظر دارند؛ برای آن‌ها انتخابات مکانیسمی است که از طریق آن حق حاکمیت مردم در جامعه اعمال شده و به انعکاس خواسته‌های مردم در سیاست‌گذاری‌های عمومی می‌انجامد. قانون اساسی سال ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی حاصل دیدگاهی کاملاً متفاوت است. خداوند حاکم مطلق و یگانه است و حکومت خداوند از طریق ولی فقیه اعمال می‌شود که قدرتش، که بازتاب قدرت خداوند است، مطلق در نظر گرفته شده است. حق حاکمیت خداوند از طریق نهادهای غیرانتخابی (انتصابی) حکومت اعمال می‌شود؛ مانند دوازده عضو شورای نگهبان که پیرو اصل ۹۱ قانون اساسی قدرت تایید و رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و توکردن قوانین تصویب‌شده توسط نهادهای انتخابی

---

۱- حسین اشتری، رئیس سرویس‌های امنیتی جمهوری اسلامی، از انتخابات این‌گونه یاد کرد: «صحنه درخشش ملت ایران و خلق حماسه عظیم و جلوه بی‌بدیل از مردم‌سالاری دینی بود که عظمت و سربلندی ملت و استحکام پایه‌های نظام اسلامی را به نمایش گذاشت.» ایسنا، ۱۰ خرداد ۱۳۹۶. (دید شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۶):

<http://www.isna.ir/news/96031006309>

See, for example, Mick Krever, Mohammed Tawfeeq and Joe Sterling, "Iranian President Hassan Rouhani Wins Re-election in Victory for Moderates," CNN, 20 May 2017, <http://edition.cnn.com/2017/05/20/middleeast/iran-rouhani-election/index.html>

مانند مجلس را دارند.<sup>۳</sup>

قدرت بخش انتصابی حکومت در تشخیص صلاحیت به قدری گسترده است که نه تنها برای رد صلاحیت مخالفان و معترضان به نظام، بلکه برای رد صلاحیت صدها عضو الیگارش‌ی<sup>۴</sup> حاکم، که قبلاً واجد شرایط شناخته شده بودند، نیز استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، از این قدرت می‌توان برای تصفیه «خودی‌هایی» استفاده کرد که علیه گروه‌های خودی دیگر اقدام می‌کنند. این قدرت سلاخی است که در منازعات گروهی/جناحی درون رژیم به کار گرفته می‌شود.

با علم به این که جمهوری اسلامی بر پایه نظریه حکومت الهی بنا شده و بالطبع ماهیت آن الیگارشیک است، نباید تعجب کرد که طبق اصل ۶ قانون اساسی، از انتخابات به عنوان مکانیسمی برای سنجش افکار عمومی و استفاده از آن در اداره امور کشور یاد می‌شود [این اصل در رد اصلی تدوین شد که رأی شهروندان را مبنای حکومت اعلام کرده بود]. در چنین سیستمی واقعا انتخابات تا چه اندازه می‌تواند شاخصه‌ای باشد برای

درک وضع نیروهای دموکراسی خواه - و چشم‌انداز دموکراسی - در ایران امروز؟ اگرچه انتخابات ایران بیانگر مطالبات واقعی شهروندان نیست اما آموزه‌های دیگری را در رابطه با چشم‌انداز دموکراسی در بر دارد. در طول عمر آیت‌الله روح‌الله خمینی، اولین رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری کاملاً بی‌معنی بود. رئیس جمهور عملاً توسط خمینی منصوب می‌شد. او بین جناح‌های رقیب درون رژیم داوری می‌کرد و یک نفر را برمی‌گزید و به دنبال آن کمپینی مصنوعی با چند نامزد انتخاباتی به راه می‌افتاد. نامزد منتخب خمینی همیشه برنده می‌شد.

با مرگ خمینی در سال ۱۳۶۷، گذار موفقیت‌آمیز به دموکراسی در بسیاری از نقاط جهان در دهه ۱۳۷۰ و انقلاب دیجیتال در اوایل قرن بیست و یکم، اوضاع تغییر فراوانی کرد؛ منازعات قدرت در درون جمهوری اسلامی شدیدتر و پنهان کردن آن سخت‌تر

۳- لادن و رویا برومند، «آیا ایران در جریان برپاسازی دموکراسی است؟ اصلاحات در بن‌بست»، جرنال دموکراسی، انتشارات دانشگاه جان هاپکینز، ترجمه بنیاد عبدالرحمن برومند، ۱۰ مهر ۱۳۷۹. (دید شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۶):

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/329/is-iran-democratizing-reform-at-an-im-passe>

۴- حکومتی است که قدرت سیاسی در آن در انحصار گروه کوچکی است.

شد و حکومت ایران پس از ورود تکنولوژی جدید، که کنترل اطلاعات را تضعیف می‌کرد، حق انحصار خود بر «حقیقت» را از دست داد.

اهرم‌های اصلی قدرت کماکان در دست ولی فقیه و منصوبان او است، اما مشاوره با مردم از طریق انتخابات به امری حیاتی برای رژیم تبدیل شده است. انتخابات ابزاری است که از طریق آن، گروه‌های رقیب در درون رژیم بدون دست‌زدن به خشونت منازعات ایدئولوژیک و سیاسی خود را حل و فصل می‌کنند. کارکرد ایدئولوژیک انتخابات نیز به همان اندازه یا حتی بیش‌تر از آن اهمیت دارد؛ زیرا جایگاه حکومت را هم در داخل و هم در خارج از کشور تقویت می‌کند. **شهروندان با رأی‌دادنشان، عملاً رژیمی را تأیید می‌کنند که حق حاکمیت را از آنان سلب کرده است. آنان خواه ناخواه بخشی از سیستمی می‌شوند که سرکوبشان می‌کند.** برای رهبران ایران، همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، انتخابات به مثابه مراسم بیعت مکرر رأی‌دهندگان است با کل نظام ایدئولوژیک حاکم و نمایانگر ایمان عمومی مردم است به کلیت سیستم.<sup>۵</sup> در نتیجه هرچه مشارکت بیش‌تر باشد، رژیم در برابر شهروندان خود قدرت بیش‌تری پیدا می‌کند، در عرصه جهانی از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار می‌شود و در مبارزه درازمدت خود علیه لیبرال دموکراسی جرئت بیش‌تری پیدا می‌کند.

اما این انحراف شگفت‌انگیز یکی از نهادهای کلیدی دموکراسی (انتخابات) و تبدیل آن به ابزاری ضددموکراسی، برای رژیم کاملاً هم بدون خطر نیست.<sup>۶</sup> چون انتخابات به جامعه مدنی امتیازاتی، هرچند کوچک، می‌دهد. در بیست سال گذشته، نیروهای دموکراسی‌خواه ایران تلاش کرده‌اند تا از این امتیاز برای تبلیغ حقوق بشر و دموکراسی استفاده کنند؛ آنان وارد معامله میان گروه‌های رقیب درون الیگارشی شده‌اند. در نتیجه،

۵- آیت‌الله احمد جنتی، رئیس شورای نگهبان، گفت که حضور بالای مردم نشان‌دهنده «اعتماد مردم به رژیم است». ایسنا، ۲۰ خرداد ۱۳۹۶. (دیده‌شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۶):

<http://www.isna.ir/news/96032011057>

۶- برای تحلیل حقوقی سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی، رجوع کنید به: فرید حکمت، «نه آزاد، نه منصفانه: انتخابات در جمهوری اسلامی ایران»، ترجمه دکتر هرمز حکمت، انتشارات بنیاد عبدالرحمن برومند، خرداد ۱۳۸۸. (دیده‌شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۶):

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/604/ neither-free-nor-fair-elections-in-the-islamic-republic-of-iran>

اگرچه ما نمی‌توانیم انتخابات در جمهوری اسلامی را به عنوان نمادی از آزادی انتخاب برای شهروندان ایران بدانیم، اما در هر حال باید آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم؛ زیرا درباره تنش‌های درونی رژیم و قدرت و سرزندگی جامعه مدنی اطلاعاتی می‌دهند.

### مبارزه انتخاباتی سال ۹۶ بر سر چه موضوعاتی بود؟

از اواخر دهه ۱۹۹۰، الیگارشی حاکم در ارتباط با ایدئولوژی حکومت به سه دسته تقسیم شد. «اصلاح‌طلبان» در دوران حکومت محمد خاتمی از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ قدرت را در دست گرفتند. آنان بدون این که قدرت رهبر معظم را به چالش بکشند، خواهان جامعه‌ای آزادتر و متساهل‌تر و کاهش سانسور در امور فرهنگی و مطبوعات شدند، اجازه استقرار سازمان‌های مدنی نیمه‌مستقل را دادند و برای کاهش تبعیض قانونی علیه زنان تلاش‌هایی کردند. آنان همچنین در برابر مخالفان سیاسی و مذهبی خواهان مدارای بیش‌تر شدند و از محدود کردن قدرت شورای نگهبان، که به شدت این موضوع که چه کسی برای مجلس نامزد می‌شود را کنترل می‌کند، حمایت کردند.

به طور خلاصه اصلاح‌طلبان تلاش کردند تا سیاست‌های شبه - دموکراتیک را در یک نظام شبه - توتالیتر مذهبی متناقض با این سیاست‌ها جای بیندازند. شکست آنان در این ماموریت دون کیشوت‌وار کاملاً منطقی و قابل پیش‌بینی بود.

در اواخر دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی، خادمان سنت‌گرایی رژیم واکنش نشان دادند. آنان صلاحیت شمار کثیری از نامزدهای اصلاح‌طلب را برای شرکت در انتخابات سال ۲۰۰۴ مجلس و سال ۲۰۰۵ ریاست جمهوری رد کردند و چهره‌های اصلاح‌طلب را از جایگاه‌های تصمیم‌گیری در حکومت کنار گذاشتند. اما اصلاح‌طلبان تسلیم نشدند؛ در سال ۲۰۰۹، آنان از نامزدی نخست‌وزیر سابق، میرحسین موسوی، حمایت کردند. او خواهان اصلاحات بیش‌تر، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مدارا و آزادی‌های اجتماعی بیش‌تر شد. وقتی که نتایج رسمی از پیروزی و کاندیدای عوامگرا و تندرو و رئیس‌جمهور وقت، محمود احمدی‌نژاد، خبر دادند، میلیون‌ها نفر در اعتراض به این امر به خیابان‌ها ریختند. رژیم به شدت علیه این «موج سبز» واکنش نشان داد و آنان را با خونت‌سری سرکوب کرد که نتیجه آن کشتگانی بسیار و هزاران زندانی تحت شکنجه بود. موسوی و یک چهره اصلاح‌طلب دیگر، مهدی کروبی، بدون دادگاه در حبس خانگی گرفتار شدند. برای دیگر چهره‌های اصلاح‌طلب دادگاه‌های نمایشی برگزار و حکم‌های زندان طولانی صادر شد. شورای نگهبان باقی‌مانده اصلاح‌طلبان را از نامزدی

در انتخابات منع کرد که این امر به تغییراتی جدی در الیگارشی سیاسی ایران منجر شد. کمپین سرکوب، تهدید و محرومیت، جنبش اصلاح راه، که زمانی پرانرژی و قدرت‌مند بود، به سایه‌ای ضعیف از دوران اوج‌اش تبدیل کرد. صادق‌ترین فعالان آن ایده «ترمیم» جمهوری اسلامی را کنار گذاشتند و به مخالفت با کلیت رژیم پرداختند. آنان که اصلاح طلب باقی ماندند ایده‌های دموکراتیک خود را در گنج‌ها گذاشتند و در پی رد صلاحیت گسترده نامزدهای شان، در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷ از چهره‌هایی سیاسی حمایت کردند که اصلاح‌طلبان در گذشته آنان را محکوم کرده و از خود رانده بودند.

گروه مورد حمایت مذکور «واقع‌گرایان» بودند که گاه به آنان عملگرا یا میان‌رو نیز گفته می‌شد. این گروه زمانی توسط اکبر هاشمی رفسنجانی (۱۹۳۴ - ۲۰۱۷) هدایت می‌شد که از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ رییس‌جمهور ایران بود. واقع‌گرایان حاضر بودند که محدودیت‌های مذهبی را کاهش دهند و میزانی از آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی را تحمل کنند؛ در عین حال خواهان مذاکره مستقیم با ایالات متحده و به طور کلی رفتار بین‌المللی ملایم‌تری بودند. اما آن‌ها با هر گونه باز شدن فضای سیاسی داخل ایران مخالف بودند و به حمایت از قدرت مطلق ولی فقیه ادامه دادند.

رفسنجانی در سال ۲۰۱۳ مجدداً برای دستیابی به ریاست جمهوری تلاش کرد اما شورای نگهبان صلاحیت او را رد کرد. این موضوع به نامزدی روحانی منجر شد. بنیانگذار حزب عدالت و توسعه، سال‌ها درگیر مذاکرات هسته‌ای بود و هم ولی فقیه و هم رفسنجانی به او اعتماد داشتند. در امور داخلی، منتهای وعده روحانی این بود که خشونت دولت علیه جامعه را کاهش دهد و از قانون اساسی جمهوری اسلامی، که چارچوبی تبعیض‌آمیز و محدودکننده دارد، تبعیت کند. روحانی هیچ‌گاه از دموکراسی‌خواهی یا آزادی‌های سیاسی حمایت و دفاع نکرد و برای رفع هر گونه توهمی در باب موضع‌اش در مورد آزادی‌های سیاسی مصطفی پورمحمدی را به عنوان وزیر دادگستری خود معرفی کرد. پورمحمدی همچون ابراهیم رئیسی، یکی از اعضای کمیته شوم مرگ بود که در تابستان سال ۱۳۶۷ حداقل سه‌هزار زندانی سیاسی را با فرمان سری خمینی اعدام کرد.<sup>۷</sup>

در سال ۱۳۹۶ روحانی می‌توانست ادعا کند که وعده اصلی انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲ را با موفقیت جامه عمل پوشانده است: او توانست تحریم‌های بین‌المللی علیه

۷- قتل عام زندانیان سیاسی در ایران، ۱۹۸۸: گزارشی تحقیقی که توسط جفری رابرتسون انجام گرفت. بنیاد عبدالرحمن برومند، ۲۰۱۱، ص ۱۱۴.



برنامه اتمی ایران را بردارد و به انزوای کشور در جامعه ملل خاتمه دهد. او همچنین به وعده‌اش برای افزایش سرعت اینترنت عمل کرد و در برابر فشار تندروها برای فیلتر کردن تلگرام (برنامه امن پیام‌رسانی که یک پنجم جمعیت هشتاد میلیونی ایران از آن استفاده می‌کنند) مقاومت کرد.

اما روحانی به وعده خود برای اعمال حتی همان حقوق شهروندی محدودی که در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ به رسمیت شناخته شده است، عمل نکرد. در اولین دوره ریاست جمهوری او آمار اعدام‌های بدون روند قانونی افزایش چشمگیری داشت.<sup>۸</sup> همچنین مجلس وزیر علوم او را به خاطر دفاع‌اش از استقلال دانشگاه‌ها استیضاح کرد. روحانی با افسوس استیضاح را پذیرفت و او را به عنوان مشاور خود در امور علوم و آموزش برگزید.

روحانی در دوران نامزدی دوباره‌اش برای ریاست جمهوری، از ادامه مذاکرات با غرب دفاع کرد و خواهان محدودیت نقش گسترده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اقتصاد شد؛ چون این نقش یکی از دلایل اصلی تحریم‌های بین‌المللی است.<sup>۹</sup> او همچنین خواهان تنش‌زدایی سیاست خارجی کشور، تقویت بخش خصوصی در اقتصاد، آزادی اجتماعی و فرهنگی بیش‌تر و فراهم کردن امکان رشد صنعت جهانگردی در کشور شد. او آنان که محدودیت‌های خشن مذهبی بر مردم اعمال می‌کنند را به باد انتقاد گرفت. از همان آغاز این‌گونه تصور می‌شد که روحانی شانس بیش‌تری برای پیروزی دارد.

ابراهیم رئیسی نامزد دسته‌ای در درون رژیم بود که «اصولگرا» و نیز محافظه‌کار خوانده می‌شوند. این گروه از الیگارش‌ی، به شدت با هر گونه تغییر بزرگ مخالفت و از قدرت مطلق ولی فقیه حمایت می‌کند. آنان حکومت قوانین خشک مذهبی و کنترل زندگی فرهنگی و اجتماعی شهروندان بر اساس آن قوانین را تبلیغ می‌کنند. رئیسی پس از خدمت در «کمیته مرگ» به فعالیت در قوه قضاییه ادامه داد و در نهایت به دادستانی کل کشور رسید، تا این‌که خامنه‌ای او را به ریاست بزرگ‌ترین موسسه مذهبی کشور منصوب کرد. جفری رابرتسون، وکیل بین‌المللی حقوق بشر، رئیسی را به جنایت علیه بشریت

۸- بر اساس آمار موسسه برومند، آمار اعدامیان در ایران در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۹۷۰، ۱۰۵۵ و ۵۷۶ نفر بود. «اعدام‌های گزارش شده در ایران»:

[www.iranrights.org/newsletter](http://www.iranrights.org/newsletter)

۹- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنامه اتمی ایران را کنترل می‌کند.

متهم کرده است.<sup>۱۰</sup> برای رئیسی و باقی اصولگرایان هر گونه مخالفت ایدئولوژیک نوعی فساد و کفر علیه جمهوری مقدس اسلامی محسوب می‌شود.<sup>۱۱</sup> او به عنوان یک عوامگرا به تبلیغات انتخاباتی پرداخت و وعده کمک‌های مالی به طبقات و قشرهای مختلف مردم داد. همچنین رئیسی در زمینه سیاست خارجی، از مذاکرات اتمی روحانی انتقاد کرد؛ از این نظر که موضع دفاعی جمهوری اسلامی را تضعیف کرده است. او وعده داد که جمهوری اسلامی را به موضع قدرت در روابط بین‌المللی بازگرداند.

در نتیجه الیگارشی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۶ باید بین دو گزینه ستیز و آشتی انتخاب می‌کرد. این موضوع هم در امور داخلی و هم در عرصه خارجی صدق می‌کرد. آیا رژیم باید در برابر میل ایرانیان به رفع محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی کوتاه بیاید؟ آیا باید جاه‌طلبی‌های بین‌المللی خود را کم‌تر کند تا از شکل‌گیری یک بلوک منطقه‌ای ضد تهران و خطر جنگ جلوگیری کند؟ روحانی، با وجود این که به هیچ وجه یک دموکرات محسوب نمی‌شود، حاضر بود به هر دوی این پرسش‌ها پاسخ مثبت مشروط بدهد. رئیسی حاضر به این کار نبود.

### نیروهای دموکراسی خواه امروز

پس از شکست اصلاح‌طلبان به رهبری خاتمی، دموکراسی‌خواهان ایران متوجه شدند که بدون اعمال تغییرات جدی در قانون اساسی، انتخابات در ایران به بن‌بست می‌رسد. حتی اگر به اصلاح‌طلبان اجازه نامزدی و پیروزی در انتخابات داده می‌شد، شورای نگهبان راه آنان را سد می‌کرد. در نتیجه دموکراسی‌خواهان ایران تصمیم گرفتند تا تمامی ارتباطات خود با الیگارش‌ی، از جمله با اصلاح‌طلبان، را قطع کنند. در عوض دموکراسی‌خواهان شروع به سازماندهی نهادهای جامعه مدنی کردند تا حقوق بشر و دموکراسی را به جنبش‌های مردمی و از پایین به بالا تبدیل کنند. از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵، گروه‌های متعددی به پیشبرد حقوق زنان، اقلیت‌های مختلف و شهروندان به طور کلی، در

۱۰- جفری رابرتسون، «قتل عام زندانیان سیاسی در ایران، ۱۹۸۸»، ترجمه بنیاد عبدالرحمن برومند.

۱۱- دادستان کل کشور: «ما مقدسیم، قضای مقدس و نظام مقدس». ایسنا، ۷ اسفند ۱۳۹۳. (دیده‌شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۶):

سراسر فضای اجتماعی شکل گرفتند.<sup>۱۲</sup> در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، دانشجویان و فعالان حقوق زنان - دو گروهی که طلایه‌دار جنبش دموکراسی خواهی محسوب می‌شوند - به حمایت از وزیر سابق علوم و نامزد اصلاح‌طلب، مصطفی معین، پرداختند. او در دور اول انتخابات نتایج ضعیفی کسب کرد. در دور دوم، که احمدی‌نژاد رفسنجانی را «شکست» داد، نیز بسیاری فعالان انتخابات را تحریم کردند. سرکوب شدید در دوره اول احمدی‌نژاد فضای کمی برای مانور در جامعه باقی گذاشت. به همین دلیل بود که انتخابات سال ۱۳۸۸ از چنان اهمیتی برخوردار شد. چون رژیم بر طبق سنت همیشگی در دوران انتخابات محدودیت‌ها بر آزادی بیان را تا زمان رای‌گیری کاهش می‌دهد، دموکراسی‌خواهان تلاش داشتند از این باز شدن اندک فضا برای پیشبرد اهدافشان استفاده کنند. مقایسه میان انتخابات سال ۱۳۸۸ و سال ۱۳۹۶، تاثیرات ویرانگر آزار و سرکوب مداوم حکومت بر نیروهای دموکراسی‌خواه درون ایران را به خوبی نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۸ دموکراسی‌خواهان امکان سازمان‌دهی و دسترسی به اکثریت مردم را داشتند و می‌توانستند با نامزدها و نمایندگان‌شان در دانشگاه‌ها آزادانه ملاقات کنند و خواسته‌هایشان برای برابری جنسیتی، حقوق بشر و دموکراسی را اعلام کنند. آنان به قدری در این امر موفق بودند که عملاً محتوای مناظرات بین کاندیداها را به آنان تحمیل کردند و بر وعده‌ها و برنامه‌های نامزدهای اصلاح‌طلب تاثیر گذاشتند.<sup>۱۳</sup> هشت سال بعد، پس از سرکوب موفقیت‌آمیز موج سبز، دستگاه اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی انعطاف کم‌تری از خود نشان داد. این دستگاه از موضع قدرت برخورد می‌کرد و به این امر واقف بود. در آذرماه ۱۳۹۵ دانشجویان از این موضوع شکایت می‌کردند که روحانی و دولت‌اش هیچ کاری برای محافظت از دانشجویان و سازمان‌های‌شان در

۱۲- لادن برومند، «ایران، خشونت دولتی شاخصی در تحلیل اوضاع جامعه مدنی»، ژورنال دموکراسی، ترجمه فارسی و انتشار بنیاد عبدالرحمن برومند، ۱۸ اکتبر ۲۰۰۷، صص ۶۴-۷۹.

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/320/irans-resilient-civil-society-the-untold-story-of-the-fight-for-human-rights>

برابر سرویس‌های امنیتی انجام نمی‌دهد. خود روحانی هم اظهار تاسف کرده بود که در عملی کردن وعده‌های‌اش به دانشجویان شکست خورده است.

آزار و اذیت‌های رژیم هزینه فعالیت را بسیار بالا برد. این امر تنها در کلیت جامعه به چشم نمی‌آمد، مهم‌تر و بیش‌تر از آن در فضاهایی که به طور سنتی محل اصلی شکل‌گیری و رشد مخالفان رژیم در این جامعه جوان هستند، یعنی دانشگاه‌ها، قابل لمس بود. با نزدیک‌شدن انتخابات سال ۱۳۹۶ فشارها بر دانشجویان، فعالان حقوقی، روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب و مخالفان به حد وحشتناکی رسید.<sup>۱۴</sup> می‌توان گفت که در اواسط اسفندماه (حوالی نوروز) این فشار به بالاترین حد خود رسید؛ زمانی که کانال‌های تلگرامی اصلاح‌طلب یا حامی روحانی بسته شدند و گردانندگان‌شان به زندان افتادند.<sup>۱۵</sup> مجموعه‌ای از سی‌وپنج انجمن دانشجویی به روحانی به دلیل انفعال‌اش در برابر تهدیدات نیروهای امنیتی علیه فعالان دانشجویی شکایت کردند. سردبیران نشریات دانشجویی چند ملاقات با مقامات داشتند تا از آنان درباره وضعیت روزنامه‌نگاران و مخالفان زندانی بپرسند، اما فراتر از این روش‌های نرم فعالیت دانشجویی خاصی دیده نمی‌شد.

همین توصیف نرمش و احتیاط را می‌توان برای فعالان حقوق زنان به کار برد که دیگر طلایه‌داران نیروهای دموکراسی‌خواه محسوب می‌شوند. آنان به انتشار مجموعه‌ای از خواسته‌های خود در زمینه قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان، برابری در بازار کار و انتصاب زنان در بالاترین جایگاه‌های سیاسی قناعت کردند.<sup>۱۶</sup> آن‌ها نیز معترف بودند که تحمل آزارهای حکومت ظرفیت حرکت‌شان را تضعیف کرده است.

انتخابات ۱۳۹۶ نمایان‌گر این امر است که فعالان حقوقی تا چه اندازه حد انتظارات خود

۱۴- رجوع کنید به: «ایران زیر تیغ بازداشت»؛ بیانیه مشترک ۳۵ گروه دانشجویی، ایران امروز، ۱۹ مارس ۲۰۱۷. (دیده‌شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۶):

[www.iran-emrooz.net/index.php/news1/2017-03-19\\_2342](http://www.iran-emrooz.net/index.php/news1/2017-03-19_2342)

۱۵- «ایران: بازداشت‌ها و تهدید گردانندگان کانال‌های تلگرامی و خبرنگاران پیش از انتخابات»، ماده ۱۹، ۱۷ مارس ۲۰۱۷:

[www.article19.org/resources.php/resource/38678/en/iran-arrests-and-intimidation-of-telegram-administrators-and-journalists-ahead-of-the-elections](http://www.article19.org/resources.php/resource/38678/en/iran-arrests-and-intimidation-of-telegram-administrators-and-journalists-ahead-of-the-elections)

۱۶- «بیانیه خواسته‌های زنان»، ۶ مه ۲۰۱۷.

را پایین آورده‌اند. عبارت «حقوق جهانی بشر» در طول این انتخابات شنیده نشد. دکتر معین که در سال ۱۳۸۴ وعده ایجاد وزارت حقوق بشر و برابری جنسیتی را داده بود، در سال ۱۳۹۶ گفت که فقط امیدوار است روحانی افراد باکفایت را به کار بگمارد، به عادی‌سازی روابط بین‌المللی ایران ادامه دهد و به سازمان‌های غیردولتی مجوز بدهد.<sup>۱۷</sup> در سال ۱۳۸۸ کمپین موسوی رنگ سبز را به عنوان رنگ اصلاحات برگزید. در سال ۱۳۹۶ روحانی رنگ بنفش را انتخاب کرد. در گردهمایی‌های او حامیان‌اش فریاد می‌زدند: «ما همه سبز بودیم، (باتوم) پلیس بنفشمان کرد!»

ایرانیان دموکراسی‌خواه در دوران انتخابات همواره از خود پرسیده‌اند که در میان گزینه‌های پیش رویشان کدام یک شر کم‌تری است، تا او را برگزینند. سال ۱۳۹۶ در پاسخ به این سوال اتفاق نظری وجود نداشت؛ گروه‌های سکولار به برخی سازمان‌های جامعه مدنی پیوستند و انتخابات را تحریم کردند و در رسانه‌های اجتماعی دلیل خود را این‌گونه بیان کردند که بدون وجود هیچ پتانسیلی برای دموکراسی در چشم‌انداز، مشارکت در این انتخابات تنها به رژیم مشروعیت می‌دهد و آن را قدرت‌مندتر می‌کند. آنان معتقد بودند که نتیجه درازمدت انتخابات رأی‌دهندگان را سرخورده می‌کند و منجر به بی‌تفاوتی و ناامیدی بیش‌تر نسبت به فعالیت سیاسی خواهد شد.<sup>۱۸</sup> کمپین تحریم انتخابات در ایران غیرقانونی اعلام شد اما این تنها دلیل عدم تاثیرگذاری آن نبود؛ بخش بزرگی از واجدان شرایط تصمیم به رأی‌دادن گرفتند و بسیاری با تمایلات دموکراتیک در میان آنان وجود داشتند.

پس چرا آنان در انتخابات مشارکت کردند و با حضور (ظاهراً) پرشمار خود خواسته حکومت را [تایید مشروعیت] برآورده کردند؟ اینترنت سریع، کمی آزادی فرهنگی بیش‌تر و کمی تورم کم‌تر، از دلایلی بود که رأی‌دهندگان به روحانی مکرراً ذکر

۱۷. مصطفی معین، «انتخابات ایران خطرات ریاض را خنثی کرد» ایسنا، ۱۶ خرداد ۱۳۹۶. (دیده‌شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۶):

[www.isna.ir/news/96031608397/](http://www.isna.ir/news/96031608397/)

۱۸. صالح حمید، «فعالان ایرانی کمپین تحریم انتخابات ریاست جمهوری را به راه می‌اندازند»، العربیه انگلیسی، ۱۶ مه ۲۰۱۷. (دیده‌شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۶):

<https://english.alarabiya.net/en/features/2017/05/16/Iranian-activists-launch-campaign-to-boy-cott-presidential-elections.html>

کردند. اما جذابیت اصلی روحانی شاید به دلیل ظرفیت او در کاهش تنش‌های بین‌المللی و ایجاد احساس ثبات در دورانی ناامن و در منطقه‌ای رنج‌دیده بود. به عبارت دیگر، روحانی از ترس مردم از سرکوب، تحریم‌ها، جنگ و آشوب بهره برد. ترس باعث شده است مردم ایران دموکراسی را به عنوان یک کالای لوکس ببینند که هزینه آن در شرایط بین‌المللی کنونی بالاتر از حد توان آنان است. در این جا ما می‌توانیم ارتباط و پیوستگی میان شکست‌های سال‌های اخیر لیبرال دموکراسی در سراسر جهان را با شکست و عقب‌رانده شدن آن در ایران پیدا کنیم.

سرکوب و خشونت حکومتی به تنهایی نمی‌تواند تسلیم شدن نیروهای دموکراسی‌خواه در برابر شرایط موجود را توضیح دهد. آنان سرکوب‌های شدیدتری را از سر گذرانده‌اند؛ مانند سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴.<sup>۱۹</sup> آنچه تغییر کرده است وضعیت لیبرال دموکراسی در منطقه و جهان است. در منطقه، امید به این که شاید دموکراسی در کشورهای همسایه ایران، عراق و افغانستان پا بگیرد جای خود را به این وحشت داده است که مبارزه قاطعانه برای دموکراسی ممکن است به جنگ داخلی و هرج و مرجی منجر شود که گریبانگیر کشورهای منطقه شده است. به طور کلی رکود دموکراسی‌خواهی در سطح جهانی و افزایش بی‌میلی غرب به انتقاد از حکومت‌های اقتدارگرا موجب تضعیف روحیه دموکراسی‌خواهان ایرانی شده است و به آنان این تصور نگران‌کننده را داده است که دنیا با آرمان‌های آنان همدلی کم‌تری دارد.